

معضلات محلہ خین عرب از زبان اهالی

مارا به شهر وصل کنید



برای تردد ماشین‌ها، یکی از آن‌ها می‌گوید: «چرا راه دور برویم؟ بگذارید اول از همین ترافیک سنگینی که هر روز اهالی برای ورود به محلہ با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، صحبت کنیم. برای اینکه به شهر برسیم، باید ۱۰ دقیقه تا یک ربع در ترافیک سنگین میدان فهمیده بمانیم، حتی سرویس‌های مدرسه به‌خاطر همین ترافیک، هزینه بیشتری می‌گیرند. بارها نامه نوشته و درخواست کرده‌ایم که یک پل مانند همین که زده‌اند، برای رفتن به شهر برایمان بزنند؛ البته بگویم که این پل هم استاندارد نیست، چون بارها تصادف شده است اما ما به همین پل ناقص هم قانعیم.» به گفته همه اهالی، اگر این پل احداث شود، بار ترافیکی میدان فهمیده به مراتب کاهش می‌یابد.



فضای آموزشی نداریم

بار حیمی نیا همراه می‌شویم تا در محلہ گشتی بزنیم. اولین مکانی که مارا به آن هدایت می‌کند، مدرسه مشرف به مسجد است. یکی از مشکلات اهالی، کمبود فضای آموزشی و نبود کتابخانه و فرهنگ‌سراست.



قولنامه صوری برای ثبت نام در مدرسه

یکی از مادران دانش‌آموزان که برای رساندن فرزندش به مدرسه آمده است و گفتگوی مارا می‌شنود، خودش را میری معرفی می‌کند و می‌گوید: «مشکل دیگری که داریم، این است که دبیرستانی در محلہ مان نداریم و بچه‌هایمان برای تحصیل باید به کوی امیر بروند. مسئولان مدارس آنجا هم می‌گویند باید خانه‌تان در این محلہ باشد؛ به همین خاطر مجبوریم برای ثبت نام قولنامه صوری درست کنیم که این کار هم برایمان هزینه دارد.» او با طعنه می‌گوید: «خانواده شوهرم که در روستا زندگی می‌کنند، فضای آموزشی‌شان از اینجا که شهر است، کامل‌تر است.»



مارو عقب‌رها: مهمان همیشگی خانه اهالی

مشکل دیگری که حیمی نیامطرخ می‌کند، رهاسازی پساب‌های خانگی در معابر است. او چندین کوچه را نشان می‌دهد که صاحبان منازلش، آب‌پساب‌هایشان را به بیرون از منازل هدایت کرده‌اند و بسوی تعفن و لجن به‌وفور در مسیر به مشام می‌رسد. از حیمی نیا می‌پرسیم این پساب‌ها به کجا می‌ریزند. او مارا به زمینی رهاسازده در یکی از همان کوچه‌ها می‌برد که همه پساب رهاسازده به آنجا ختم می‌شود. می‌خواهیم وارد زمین شویم که یکی از اهالی سراسیمه خودش را به ما می‌رساند و می‌گوید: «خانم، اینجا مارو عقب‌رها دارد که بارها به داخل منزلمان آمده‌اند و برای گرفتن به آتش‌نشانی زنگ زده‌ایم.» او خودش را ظهوریان معرفی می‌کند و می‌گوید: «۱۵ سال است که ساکن کوچه یاس هستم. اهالی معتقدند چاه خانه‌هایشان پر می‌شود؛ به همین خاطر پساب‌ها را به بیرون از خانه می‌فرستند. جرئت نمی‌کنیم در و پنجره‌هایمان را یک ساعت باز بگذاریم، چون پشه و مگس امانمان را می‌برد.» یکی دیگر از بانوان که دوست ندارد خودش را معرفی کند، با نازاحتی می‌گوید: «چه تأثیری دارد نوشتن شما؟ سه تا شهر دار منطقه آمدند و وضعیت ما و بچه‌هایمان را که در این لجن‌ها بازی می‌کنند، دیدند و هیچ کاری نکردند. همسایه‌مان خانه‌اش را به‌خاطر همین بوی بد و سالت و پشه‌آزار داد و رفت. تا کی باید مارو عقب‌رها را از خانه‌هایمان جمع کنیم؟ از شهرداری خواستیم این کانالی را که تا ابتدای کوچه کشیده شده است، تا بعد از خانه‌هایمان امتداد بدهد، اما این کار را انجام نداد.» اهالی از اداره بهداشت هم ناراضی‌اند که وضعیت را می‌بیند و باز هم سکوت می‌کند و فقط به لباس فرم مغازه‌داران گیر می‌دهد.



کارتن خواب‌ها امانان را بریده‌اند

یاس ۲۰ را که داخل می‌شویم، بعد از گذشتن از چند خانه به زمین‌های رهاسازده می‌رسیم که نخاله‌های ساختمانی در گوشه و کنار آن رهاسازده‌اند. این زمین‌ها که حدود ۲۰ هکتار است، به گفته اهالی قطعه‌بندی شده است اما مجوز ساخت به صاحبانش داده نمی‌شود. این زمین‌ها در گذشته باغ انگور و میوه بوده و کاربری آن در این سال‌ها تغییر کرده، با این وجود باز هم شهرداری اجازه ساخت‌وساز به مالکان

موسوی - وجود تعداد زیادی کارگاه کوچک و بزرگ چوب، کارگاه آهن‌فروشی، مغازه‌های مکانیکی، جوشکاری، صافکاری و کارگاه در و پنجره‌سازی در محلہ خین عرب، اهالی را با مشکلات بزرگی مواجه کرده است؛ البته این‌ها تنها گوشه‌ای از مشکلاتی است که اهالی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. هنگامی که برای تهیه گزارش به این محلہ رفتیم، آن‌ها با اشاره به اینکه ترافیک سنگینی که در بیشتر ساعات‌های روز در میدان فهمیده با آن مواجه هستند، بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین معضله‌شان است، دلیل این مشکل را انداختن پل روگذر برای ورود به محلہ خین عرب می‌دانند و همه‌شان در طول تهیه گزارش، بر روی این موضوع تأکید می‌کنند که: «اگر شهرداری هیچ‌کدام از مشکلاتمان را حل نمی‌کند، همین یک در خواستمان را اجرا کند و مارا با احداث پل روگذر به شهر وصل کند تا از میدان فهمیده و ترافیکش خلاص شویم.» در گزارش پیش‌رو گفتگویی با تعدادی از ساکنان این محلہ انجام داده‌ایم و آن‌ها از کمبودها و آسیب‌هایی که در این محلہ است، صحبت کرده‌اند.



یک پل

قرارمان با «حیمی نیا، امام‌جماعت مسجد ابوالفضل‌ها، در چراغچی ۴۵ است. او از همان ابتدای تأسیس شوراهای اجتماعی محلہ، عضو شورای نوید بوده است و اشراف خوبی بر محلہ دارد. همراهش می‌شویم تا مشکلات محلہ را نشانمان بدهد.

قبل از اینکه گشتمان را در محلہ شروع کنیم، چند تن از اهالی که شنیده‌اند برای تهیه گزارش آمده‌ایم، کنار امام‌جماعتشان ایستاده‌اند تا حرف‌هایشان را بگویند. همه‌شان به اتفاق یک خواسته دارند؛ احداث پل روگذر



در این مدرسه

ابتدایی
۴۰۰ دانش‌آموز
دختر و پسر در
دوشیفت صبح
وبعد از ظهر
مشغول تحصیل
هستند. فضای
دیگری به جز این
مدرسه ابتدایی در
خین عرب نداریم
و این فضا به قدری
کوچک است
که دانش‌آموزان
گاهی بدون اینکه
جست‌وجوی
داشته باشند، با هم
بر خورد می‌کنند
و دست‌وپایشان
می‌شکند